

نگین توس

نگاهی به زندگانی امام رضا علیه السلام

تألیف

سکینه اولاد حیات

نشر شوق

اولاد حیات، سکنه، ۱۳۳۶ -

نگین توس / نویسنده: سکنه اولاد حیات؛ ویراستار: مشتاق -

ساری: نشر شوق، ۱۳۸۶.

۷۲ ص:

کتابنامه: ص ۷۰

I.S.B.N.: ۹۶۴-۹۶۹D1-۷-۵

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا (فهرست نویسی پیش از انتشار).

۱. علی بن موسی الرضا (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ۲۰۳ ق. - سرگذشت نامه ها.

الف. ، مشتاق، - ، ویراستار، ب. عنوان.

۲۹۷/۷۷۷

۸ ن ۲ الف / BP ۲۷۱



شناسنامه کتاب

نام کتاب نگین توس
مؤلف سکنه اولاد حیات
ناشر شوق
ویراستاری مشتاق
نوبت چاپ اول ۱۳۸۶
تیراژ ۲۰۰۰ نسخه
چاپ عترت
قیمت ۹۰۰۰ ریال
شابک ۹۶۴-۹۶۹۰۱-۷-۵

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر شوق ۰۹۱۱۱۵۳۲۸۶۷

السلام علیک یا علی بن موسی الرضا

به کوی رضا جان صفا می پذیرد
به اینجا فروغ خدا می پذیرد
بود رحمتش بی کران مثل دریا
هم آلوده ، هم پارسا می پذیرد
اگر درد مندی بیا بر در او
که هر درذ اینجا دوامی پذیرد

هدیه به پیشگاه آقا امام زمان (عج)

و به یاد پدر بزرگوارم ابوالقاسم اولاد حیات

فهرست مطالب

۵		مقدمه
۱۳		بخش اول
۱۵		پدر امام رضا علیه السلام
۱۷		مادر امام رضا علیه السلام
۲۱		بخش دوم
۲۳		ميلاد نور
۲۶		القاب آن حضرت
۲۷		علم آن حضرت
۲۹		افلاق و مکارم آن حضرت
۳۲		شب و روز آن حضرت
۳۵		بخش سوم
۳۷		ورود به مرو
۴۵		خبر از شهادت
۴۹		کیفیت شهادت
۵۷		بخش چهارم
۵۹		معجزات
۷۱		منابع

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و صلى الله على محمد و اله الطاهرين

با درود و سلام به روح پر فروغ رهبر کبير انقلاب اسلامى ايران
امام خمينى(ره) و سلام و درود فراوان بر جان بر كفان ايشارگر در
جبهه هاى حق عليه باطل كلماتى چند به عنوان مقدمه تحقيق خود
يادآور مى شوم.

مى دانيم كه از بدو خلقت بشر از خلقت آدم ابوالبشر عليه السلام تا
روز قيامت همواره دو جبهه حق و باطل وجود داشته است و هابيل
و قابيل، موسى و فرعون، ابراهيم و نمرود، على و معاويه، حسين و
يزيد، و... تا اين زمان امام خمينى، امام خامنه اى و ابر قدرت ها
وجود داشته اند.

در بيان اين دوگانگى بايد گفت چون انسان موجودى است آزاد
و آزاد آفريده شده است، در مقابل او راه هاى متعددى وجود دارد
كه بايد يكى از آنها را انتخاب نمايد و در انتخاب آن راه ها نيز آزاد

و مختار می باشد. او می تواند مسیر خود را از أسفل السافلین تا
 اعلیٰ علیین انتخاب کند و شقاوت و سعادت خود را تعیین نماید.
 ولی در اصل انتخاب آزاد نمی باشد در انتخاب کردن یا انتخاب
 نکردن آزاد نیست. در آزاد بودن، دیگر آزاد نیست. نمی تواند از
 انتخاب شانه خالی کند. چون اگر انتخاب نکند دیگر انسان نیست.
 حال چگونه انتخاب نماید، انتخاب او چگونه انتخابی باشد. زیستن
 خود را چگونه انتخاب نماید؟ کدام راه را انتخاب کند تا منشاء
 سعادت و نیک بختی وی گردد؟ و از گمراهی ها رهائی یابد؟
 اینجاست که مشکلات وی و نابسامانی هایش، بد بختی ها و بر سر
 دو راهی قرار گرفتن هایش و ... آغاز می شود. اینجاست که نمی داند
 چه کار باید بکند؟ و چگونه خود را از دره سقوط و انحطاط و گمراهی
 و شقاوت نجات داده به قلّه رفیع سعادت و نیک بختی در دو جهان
 نائل آید بنابر این در میدان چند راهی ها، سرگردان و حیران می
 ماند به طوری که اگر نجات دهنده بی نداشته باشد دچار پوچی و
 پوچ گرایی و بیهودگی می گردد و خود را چونان برگ درخت
 زردی می پندارد که با کوچک ترین وزش نسیمی به هر طرف
 کشیده می شود. ولی از آنجائی که خداوند خالق و طالب سعادت
 بشر است هرگز او را در این وادی خشک و بی آب و علف به
 تنهائی رها نمی کند. چون آفرینش او بدون هدف نیست.

چه زیباست گفته ابوعلی سینا آنجا که می فرماید:

خدائی که به رویاندن مو بر آبروان، و مُقَرّ ساختن کف پای انسان توجه کرده، چگونه ممکن است به این امر مهم - این انتخاب بزرگ که سعادت و شقاوت او وابسته به آن می باشد - توجهی نکند؟ و این امر بزرگ را نادیده انگارد؟

لذا اینجاست که موهبت الهی شامل حال او می شود که نه تنها انسان را در وادی های هول ناک زندگی خود به تنهائی رها نمی کند، بلکه با قرار دادن راهنما و راهبر برای او انسان را در مسیر تکامل قرار می دهد و دست او را گرفته، در جهت هدایت به صراط مستقیم و قله رفیع سعادت یاری می نماید.

به همین منظور برگزیدگانی از میان انسان ها انتخاب کرده تا احکام و دستورات خود را که بهترین راه زندگی بشر می باشد برای او تشریح و توضیح نمایند. این برگزیدگان کسانی جز پیامبران و اولیای خدا نمی باشند به این ترتیب یکصد و بیست و چهار هزار نفر را تعیین کرده، تا یکی پس از دیگری در صحنه طبیعت و هستی قدم نهاده با گفتار و رفتار و سیره زندگی خود که از وحی الهی سرچشمه گرفته است انسان را هدایت نمایند. اولین آنها حضرت آدم علیه السلام و آخرینشان حضرت ختمی مرتبه محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. ولی چون انسان موجوی است فانی، و روزی باید این دار

فانی را وداع کند لذا پیامبر اسلام هم باید روزی از دنیا برود. چون او نیز انسان می باشد و بالطبع از دنیا خواهد رفت.

از این گذشته چون شیطان سوگند یاد کرده که تا روز قیامت از فریب انسان کوتاهی نکند، و شیاطین دیگری را پیروانند تا حق را باطل، و باطل را حق جلوه دهند، و ظلم و جنایت و قتل و غارت و چپاول و استعمار و استثمار را در دنیا رونق دهند و انسان را از هدف والای انسانیتش دور سازند؛ که اگر هدایت انسان به این جا ختم شود باز دچار بیهودگی شده، در کوره راه ضلالت و گمراهی مدفون خواهد شد بنابراین از آنجائی که خداوند بیشتر و بهتر از همه اهداف شیاطین را می داند، هرگز انسان را در نیمه راه خود رها نکرده، پس از آن راهیان حق و هدایت، هادیان دیگری را بر می گزیند. لذا بر خود واجب می داند که پس از آن پیامبران، صالحان دیگری را انتخاب نماید.

غرض این است که انسان همواره باید راه روی و راهبری صادق و صالح و عابد و متقی و عالم داشته باشد. و در سیر به کمال سعادت خود و قرب رضای حق تعالی و خدای گونه شدن خود کوچک ترین تزلزل و لغزشی پیدا نکند و راه کمال خود را به درستی طی نماید. بنابر این پس از نبی اکرم ﷺ - آن منجی عالم بشریت - دوازده امام، دوازده معصوم و راهرو هدایت و حق را

انتخاب نمود تا ایشان چون سدّی آهنین در مقابل شیطانهای جنی و انسی و انسان های شیطان صفت و روبهان انسان نما ایستاده، بشریت را به خصوص امت اسلامی - را از شر آنان حفظ نمایند. و دیدیم که چه جان فشانی هایی نموده در مقابل ظلم و ستم و استثمار تا پای جان ایستادگی کردند و اسلام و مسلمانان را از ورطه نابودی نجات دادند. در مقابل آنها شیاطین فتنه انگیز و روبهان مکار چه مصیبت ها و بلاهایی وارد کردند؟! که اولین تیرشان بر این عزیزان مظلوم اصابت کرد.

آن مظلومان دهر تیرهای زهر آلود را به جان خریدند تا دیگران از اصابت آنها در امان باشند.

هر امام معصوم و مظلومی را از طریقی به ظاهر از زمین برداشتند و با حق جلوه دادن عمل فجیع خود و دور کردن اتهام قتل آنها از خود، خود را محبوب ملت جلوه دادند. ولی از آنجا که خورشید هرگز در پس ابر باقی نمی ماند اهداف شوم شیاطینی پلید و فرزندان ابلیس ملعون - لعنة الله علیهم أجمعین - آشکار شد و با شهادت این رهبران الهی و عزیزان خدایی، پرده از اسرار نهان آنها دریده گردید. پرده از زشتی هایشان بر جان اسلام و به طور کلی بر بشریت عالم برداشته شده، خورشید حق از پس پرده نمایان گشت. و ستمکاران دهر در دنیا و آخرت در مقابل خدا و خلق خدا

خجل و سرافکنده گردیده، در آتش خشم خداوند سوختند.

سخن را کوتاه کنیم: این جانب از این دوازده اختر تابان آسمان ولایت، هشتمین ستاره را برگزیدم تا به بیان گوشه یی از عظمت و شکوه و امامت و رهبریت و مظلومیت و شهادت و وقار و شجاعت و شهامت او بپردازم. که اگر سال ها و روز ها در این باره بحث و گفتگو کنیم و کمالات و فضایل او را بازگو نماییم جا دارد چرا که اگر تمامی درختان قلم، و برگ های تمام درختان جهان دفتر، و تمام دریاها جوهر، و تمام انسان ها نویسنده شوند، با آن دفتر و جوهر و نویسندگان بی شمار باز نمی توان شخصیت واقعی آن حضرت را بنمایانند.

حضرت امام رضا علیه السلام آن مظلوم و محبوب خدا، از عظمت و شخصیت عظیمی برخوردار بود، لحظه لحظه های زندگی اش درسی بزرگ برای ما پیروان او می باشد. که همچون جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام پس از سال ها رنج و زحمت و تلاش در راه هدایت انسان ها طعم شربت شهادت را که چون غسل برایش شیرین بود چشید. و به ملکوت اعلی و قرب درگاه پروردگار متعال نایل گشت. بنابراین بر ماست که سیره زندگی این شمع های فدا شده در راه حق، که هر یک چون خورشید فروزان در زندگی خود بودند را سرمشق زندگی خود قرار داده تا حد توانایی و وسعت دید خود از

سخنان و رفتار آنان پیروی نماییم. باشد که چنین شود ان شاء الله تعالی.

به امید پیروزی حق بر باطل و ظهور هر چه سریع تر امام زمان -
عجل الله تعالی فرجه الشریف - و موفقیت و پیروزی و شادمانی
نائب بر حقش حضرت آیه الله امام خامنه ای - مدظله العالی - در
به ثمر رساندن نهال نورسته انقلاب اسلامی ایران و نجات
مستضعفان جهان از چنگال ابر جنایتکاران شرق و غرب و عمال
سرسپرده آنها و وارث زمین شدن مستضعفان و نابودی کامل جانیان
عصر حاضر و بالاخره به امید پیروزی رزمندگان جان بر کف
انقلاب اسلامی در جهان.

والسلام

بهار ۱۳۸۵

سکینه اولاد حیات